

تست



عصر جدید

استقلال و تراکتور بدون مربیان خارجی شان به لیگ برگشتند و آبی‌ها با یک پیروزی شیرین به صدر رسیدند

بازگشت از نبردهای آسیایی همیشه برای تیم‌های ایرانی با سندرم خستگی و افت مقطعی همراه بوده است، اما هفته بیست و دوم لیگ برتر نشان داد که مدعیان قهرمانی برای رسیدن به جام، حتی فرصت پلک‌زدن هم ندارند. استقلال و تراکتور، قطب بزرگ این فصل، در حالی به مصاف رقبای خود رفتند که نیمکت‌ها پشان دستخوش زلزله‌های بزرگی شده بود؛ یکی با موفقیت از این بیخ تند عبور کرد و دیگری در تله انزلی گرفتار شد.

شوکی که جواب داد

استقلال پس از وداع تلخ با آسیا و پایان دوران پراشتاب ریکاردو سساینتو، با چهره‌ای جدید پا به کویبر گذاشت. وریا غفوری در نخستین تجربه سرمربیگری‌اش (به‌عنوان مربی موقت)، نشان داد که ترسی از تصمیمات بزرگ ندارد. نیمکت‌نشین کردن روزبه چشمی و بازگرداندن آنتونیو آدان به درون دروازه، قمار بزرگی بود که وریا با شجاعت آن را پذیرفت. آبی‌ها بازی را هجومی آغاز کردند و مزد این جسارت خیلی زود به‌دست آمد. در دقیقه ۱۵، روی

پاس هوشمندانه محمدحسین اسلامی، منیر الحدادی با یک شلیک سهمگین از پشت محوطه جریمه، دروازه مس‌رفسنجان را فرور یخت. پس از این گل، استقلال می‌توانست توسط سعید سحر خیزان به گل‌های بعدی هم برسد، اما بی‌دقتی مهاجمان و البته یک گل آفساید، مانع از سنگین‌تر شدن شکست شاگردان معتجبی جباری شد. در نیمه دوم، مس برای جریان جلو کشید، اما واکنش تماشایی آدان روی شوت فخرالدینی ثابت کرد که اعتماد وریا به سنگربان اسپانیایی بی‌دلیل نبوده است. استقلال با این برد اقتصادی و استراتژیک، ۳۸ امتیازی شد و مقتدرانه بر صدر جدول تکیه زد. حالا سهراب بختیاری‌زاده که از روی سکوها نظاره‌گر این پیروزی بود، تیمی با روحیه و صدرنشین را تحویل می‌گیرد تا در ادامه مسیر قهرمانی، کار نیمه تمام اسپینتو را تمام کند.

جای خالی درآگان

در سوی دیگر، اوضاع برای پرشورهای تبریزی چندان بر وفق مراد پیش نرفت. تراکتور پس از روزهای درخشان

آسیایی و جدایی درآگان اسکوچیچ، با هدایت محمد ربیعی راهی انزلی شد؛ ورزشگاهی که همیشه برای مدعیان بوی دردسر می‌دهد. بازی در انزلی، یک نبرد فیزیکی، پرپر خورد و پر حاشیه بود. ملوان ماز یار زارع که هفته قبل طعم شکست را چشیده بود، دقیقه ۵۸ با ضربه سر محمد جواد محمدی پیش افتاد تا شوک بزرگی به تراکتور وارد شود. تنش‌ها در این بازی به حدی بالا گرفت که دقیقه ۶۴، داور مسابقه هم‌زمان ماز یار زارع و خداداد عزیزی (از روی نیمکت تراکتور) را اخراج کرد تا کنار زمین به کوره آتش تبدیل شود. تراکتور ربیعی که در غیاب تفکرات اسکوچیچ کمی سردرگم به نظر می‌رسید، در دقیقه پایانی یکپارچه حمله شد و سرانجام دقیقه ۸۷، با نفوذ و ضربه تماشایی دانیال اسماعیلی‌فر از شکست گریخت. تراکتور با این تساوی نفسگیر، ۳۶ امتیازی شد و در رده دوم قرار گرفت تا صدر جدول را دودستی تقدیم استقلال کند. شروع ربیعی نشان داد که او برای پر کردن جای خالی مرد کروات، مسیر دشواری در پیش دارد.



108 روز مانده تا جام جهانی

پخش زنده



لیگ برتر ایران - هفته ۲۲

سیاهان 18:45 استقلال خوزستان



سری آیتالیا

فیورنتینا 21:00 پیزا

بولونیا 23:15 اودینزه



لیگ برتر انگلیس

اورتون 23:30 منچستر یونایتد



لالگا اسپانیا

آلاوس 23:30 خیرونا



برنامه بازی

لیگ قهرمانان اروپا - پلی آف حذفی ۱۳۰۴

انتلیکو مادرید 21:15 کلوب برونز

نیوکاسل 23:30 قره‌باغ

بایر لورکوزن 23:30 المپیکوس

اینتر 23:30 بوهه



لیگ قهرمانان اروپا - پلی آف حذفی ۱۳۰۴

آتلانتا 21:15 دور تموند

رئال مادرید 23:30 بنفیکا

پاری سن ژرمن 23:30 موناکو

یوونتوس 23:30 کالاتاسرانی

سوزهروز | روزنامه‌نگار | امیرمحمد یعقوب پور

چند سؤال از خسرو

روایتی از روزی که میراث وفاداری پشت درهای کمپ ناصر حجازی قربانی سودای صندلی شد

در فوتبال ایران صفت «تجیب» سال‌هاست که پشت نام خسرو حیدری سنجاق شده، اما وقایع ۲۴ ساعت اخیر نشان داد که پشت این چهره آرام، سودایی نهفته که فرسنگ‌ها با منافع استقلال فاصله دارد. قهر جتجالی حیدری از تمرین، نه یک اعتراض صنفی که یک سهم خواهی عریان بود که نقاب از چهره بسیاری از معادلات برداشت. این یادداشت، نه یک تحلیل که مجموعه‌ای از سؤالات بی‌پاسخ است که باید از شماره ۲ سابق پرسید.

۱ آقای حیدری در مصاحبه‌تان فرمودید: «قرار بود با سساینتو صحبت کنم تا بر گردد و اختلاف‌ها به پایان برسد». پرسش اول اینجاست؛ شما با چه اجازه و اختیاراتی به خودتان حق می‌دهید فراتر از چارت سازمانی باشگاه عمل کنید؟ وقتی هیأت مدیره و مدیرعامل رسماً حکم به برکناری یک سرمربی می‌دهند، یک دستیار با کدام وجهت قانونی یا حرفه‌ای، به دنبال حل اختلاف می‌گردد؟ آیا شما خود را فراتر از کارکن باشگاه می‌بینید یا استقلال را ملوک‌الطوایفی فرض کرده‌اید که هر کس در آن ساز خودش را بزند؟

۲ شما دستیار اول ایرانی مردی بودید که نیمی از فصل را روی سکوها گذراند. سؤال هواداران ساده است: وقتی دستیاران خارجی سساینتو رفتند و او تنها ماند، دقیقاً شما کجا و چه زمانی کدام گره فنی را باز کردید؟ چرا وقتی تیم در بن‌بست تاکتیکی بود، ردپایی از دانش شما دیده نشد؟ آیا وظیفه دستیار فقط ایستادن کنار خط و رابط بودن است یا باید در بزنگاه‌ها عصای دست سرمربی باشد؟ حقیقت تلخ این است که به نظر می‌رسد حضور شما نه بر اساس شایستگی فنی که بیشتر برای تلطیف فضا و استفاده از محبوبیت‌تان روی سکوها بود.

۳ استفاده از ادبیات «سیستم تاریک» و «لایب‌گری»، فرار رو به جلویی است که دیگر خریداری ندارد. آقای حیدری! چطور تا زمانی که حکم دستیار‌تان در همین سیستم امضا می‌شد، همه چیز شفاف و روشن بود؟ چطور وقتی ماه‌ها در کنار همین مدیران حقوق گرفتید و روی نیمکت نشستید، بوی لایب به مشامتان نرسید؟ آیا سیستم فقط زمانی تاریک می‌شود که صندلی نفر اولی به شما نرسد؟ این چه استانداردی دوگانه‌ای است که شایستگی را فقط در انتخاب خودتان معنای کنید؟

۴ فرموده‌اید «طبیعی‌ترین حکم بود که شانس خودم را امتحان کنم». با کدام رزومه؟ با کدام موفقیت در رده‌های پایه یا تیم‌های کوچک‌تر؟ مربیگری در استقلال یک حق نیست، یک مسئولیت سنگین است که نیاز به تخصص دارد، نه صرفاً سابقه بازی. شما با این رفتار نشان دادید که هنوز در اتمسفر دوران بازیگری سیر می‌کنید و تصور می‌کنید مربیگری هم مثل نوبت بازی کردن در زمین، به سابقه کسوت است.

۵ آقای حیدری، وقتی با ادبیاتی مظلوم‌نمایانه از «خالی شدن زیر پا» حرف می‌زدید، فراموش کرده‌اید که خودتان ماه‌ها در سایه نشستید و تماشا کردید تا زیر پای سساینتو خالی شود؟ شما که مدعی هستی برای حل اختلافات آمده بودید، چرا در تمام طول فصل که اشتباهات فنی و رفتاری سرمربی، تیم را به لبه پر نگاه می‌برد، سکوت کردید و فقط نظاره‌گر بودید تا نوبت به «سرمربیگری» خودتان برسد؟ آیا این انتظار طولانی برای زمین خوردن نفر اول، نامش وفاداری است یا کمین کردن برای صندلی؟ نکته جالب‌تر اینجاست که گویا تصور کرده‌اید باشگاه بزرگ استقلال ملک پدری یا ارثیه خانوادگی شماست که برای خودتان حق مسلم جانشینی قائل هستید. در کدام فوتبال حرفه‌ای، دستیار که خروجی فنی‌اش تقریباً هیچ بوده، خودش را صاحب پلانزاع نیمکت می‌داند؟ استقلال میراث هواداران است، نه باشگاهی که شما در آن برای خودتان تصورات و خیالات فرمانروایی ببافید و وقتی واقعیت با رویاهایتان همخوانی نداشت، کل سیستم را زیر سؤال ببرید!

۶ جنجال اخیر ثابت کرد که بزرگ‌ترین ضربه را به استقلال، نه دشمنان فرضی که مدعیان وفاداری می‌زنند؛ کسانی که وقتی منافع‌شان تامین نشود، کل مجموعه را زیر سؤال می‌برند. آقای حیدری، شما نه قربانی لایب‌شدید و نه قربانی سیستم تاریک؛ شما قربانی می‌سوی و سودای زود هنگام خودتان شدید. هوادار استقلال فراموش نمی‌کند که در روزهای سخت، چه کسی برای تیم دوید و چه کسی برای سرمربی خطاب شدن، تمرین را نیمه‌کاره رها کرد.

۷ در پایان هم یک توصیه به آقای دستیار سابق؛ خسرو خان! حالا که با قهر رفتی، برو و عیار واقعی‌ات را در تیم دیگری نشان بده. مربیگری نه با سهم خواهی به‌دست می‌آید و نه با طلبکاری. به جای کوبیدن سیستم، دانش را در زمین نشان بده. راستی، اگر اعتبار نام استقلال نبود و نباشد، کدام باشگاه حاضر است نیمکتش را به شما تعارف بزند؟